

تنگناھا

ژک دریدا

ترجمہ
رؤیا منجم



انشاد اراک
کتاب علم

سرشناسه	: دریدا، ژاک، ۱۹۲۰-۲۰۰۴م، Derrida, Jacques
عنوان و نام پدیدآور	: ننگناها : مردن چشم به راه بودن در کرانه های راستی و درستی و حقیقت/ ژک دریدا ؛ مترجم رویا منجم.
مشخصات نشر	: تهران: تمدن علمی، ۱۳۹۷.
مشخصات ظاهری	: ۱۳۴ ص.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۸۱۲۷-۷۸-۹
وضعیت فهرست نویسی	: فیا
یادداشت	: عنوان اصلی: Apories: mourir--s'attendre aux "limites de la verite", c1996.
یادداشت	: کتاب حاضر اولین بار تحت عنوان "معضلها: مردن - منظر خود بودن در "حدهای حقیقت" با ترجمه مهشید نونهایی، توسط فرهنگ صبا، در سال ۱۳۸۷ منتشر شده است.
ب. دیگر	: معضلها: مردن - منظر خود بودن در "حدهای حقیقت"
موضوع	: مرگ
موضوع	: Death
موضوع	: تناقض
موضوع	: Contradiction
موضوع	: شک و ایمان
موضوع	: Belief and doubt
شناسه افزوده	: منجم، رویا، مترجم
رده بندی کنگره	: ۷۱۳ م ۲ د ۲۲۲/ BD
رده بندی دیویی	: ۱۷۵
شماره کتابشناسی ملی	: ۱۲۴،۲۳۲



ننگناها

نویسنده: ژک دریدا

ترجمه: رویا منجم

صفحه آرای: مهدی شکری

چاپ اول: ۱۳۹۷

تیراژ: ۳۳۰ نسخه

لیتوگرافی: کوثر

چاپ: رامین

خیابان انقلاب، خیابان ۱۲ فروردین، خیابان شهدای ژاندارمری

بن بست گرانفر، پلاک ۴، تلفن ۶۶۴۱۲۳۵۸

حق چاپ برای ناشر محفوظ است.

شابک ۹۷۸-۶۰۰-۸۱۲۷-۷۸-۹

فهرست مطالب

۷	یادداشت مترجم فارسی
۹	افزوده
۱۴	پیشگفتار
۱۷	۱. پایان
۸۱	۲. چشم انتظاران در ورود

www.ketaboo.ir

یادداشت مترجم فارسی

این ترجمه نخست از انگلیسی با ترجمه توماس دوتوات^۱ برگردانده شد. ترجمه‌اش برای مترجم چالش بزرگی گشت، به اندازه‌ای بزرگ که هر بار که برای بازخوانی و مقابله و ویرایش به آن بازمی‌گشت، دشواری متن گذشته از مضمونی که به آن می‌پردازد، باعث می‌شد که درش بسته شوم، اما همواره در پس ذهن باقی می‌ماند و هر از چند گاه یکبار پس از فاصله گزین‌ها، بسیار، دوباره انگار صدا می‌کرد که بیا و یکبار دیگر ترجمه «تنگنا» که در اینجا بیشتر تنگنای مرگ است - را بازبینی کن. به آن بخش‌ها برس که اصلاً انگیزه ترجمه این نوشته کوتاه به تنگنای مرگ شد. چهارپنجاه سال گذشته... مانند نام کتاب انگار در «تنگا»، افتاده بود، اما چه و است در «تنگنا» نیستیم؟ اگر مرگ تنگناست، زندگی هم همان نیست؟

موضوعی که به آن پرداخته می‌شود، تنگنای مرگ و به ویژه تنگنای مرگ، در جای خود بسی سخت دشوار است و من هم بسیار بسیار بسیار از جنس روده‌پردازی‌های نمونه‌وار و شاید دگرگون‌سازی فلسفی با ریتم و آهنگ و برداشت مترجم انگلیسی که باعث می‌شود شک و تردید به ترجمه فارسی بیشتر و بیشتر شود.

خوشبختانه در این میان اصل نسخه فرانسوی با ریتم و آهنگ و عاطفه و خردورزی خود دریدا مانند مائده از راه رسید...

^۱ Jacques Derrida, *Aporias*, translated by Thomas Dutoit, Stanford University Press, 1993.

حال می‌شد بنا به اصل دوباره به سراغ ترجمه فارسی از انگلیسی رفت که سپس در دوران بازخوانی‌ها و مقابله‌ها، کمابیش از نو نوشته شد...

بر خلاف تصویر و تصور و نگاره‌ی چیره مرگ، که با اسکتی که در نهایت روی شیشه‌های داروهای خریداری شده از داروخانه‌ها، آوری می‌شود، به زبان‌های زیادی گفته شده که می‌تواند تجربه شیرینی باشد...

این منتهی است که مطالعه‌ی «تنگاها» ژک دریدا برجا می‌گذارد اگر شکیبای نشان داده شود و از تنگناهایی که بر سر راه می‌گذارد، برای رسیدن به منتهی گفته‌هایش گذشته شود.

ترجمه این کتاب را به پرنه رهنما تقدیم می‌کنم که اصل کتاب را برای مترجم هدیه آورد و در بسایی که براد فرانسه مترجم لنگ می‌زد و ترجمه انگلیسی هم با مقایسه با اصل فرانسه خیلی خلاصه بیشتر «برداشت» به ظاهر نه چندان دقیق ترجمه انگلیسی را می‌رساند، وجودش کمک بزرگی بود.

دریا منجم

آذر ۱۳۹۸

پیشگفتار^۱

آیا جرئت می‌کنم بگویم که این همه به شیوهٔ سپاسگزاری به شما گفته می‌شود؟

اغلب سپاسگزاری و کاروبار سپاسگزاری کردن را بدنام کرده‌ام. به آن ترید دانشه‌ام، دشواری شهادت به قدرشناسی را آن قدر تجربه کرده‌ام که در اینجا جرئت کنم قدرشناسی خود را به زبان آورم یا چند عبارتی دربارهٔ شناسی را که در اینجا از آن من است سبک‌سنگین کنم.

دوازده سال پیش وقتی که انتظار داشت آمدن فرصت این کنفرانس را نداشتم، این بی‌تناسبی و ناشدنی بودن را حس کرده بودم. در آن زمان هم مانند امروز، نمی‌دانستم اول از همه از چه کسی سپاسگزاری کنم: میزبانان در سیریزی، ادیث هورگون، ژان، یکاردو، موریس دو گاندیلاک، کاترین دو گاندیلاک، فیلیپ کیستر^۲ که اندیشهٔ بلندنظرانهٔ این کنفرانس از ذهنشان گذشت و آن را عالی پیاده کردند؟ میهمانان این میزبانان که شما هستید، همه شما؟ یا میان این میهمانان و آن میزبانان، از کسی که تمامی ما بی‌تردید حضور خود در اینجا را مدیون او هستیم؟

^۱ این کنفرانس در ۱۵ ژوئیه ۱۹۹۲ اعلام و در تالار سرسی لا سَل برگزار شد. نسخه‌ی آغازین که در اینجا اندکی تغییر یافته نخست در کتابی با نام گذران مرزها، به قلم ژک دریدا، از سوی انتشارات گالیه، ۱۹۹۳ منتشر شد.

^۲ Cersy, Edith HEurgon, Jean Ricardou, Maurice de Gandillac, Catherine de Candillac, Philippe Kister

می‌توانم دربارهٔ تمامی کارهایی که ماری لویز ماله^۱ از زمان نخستین مقدمه‌چینی این گردهم‌آیی‌ها برای برگزاری چنین کنفرانسی، همراه با کاترین پائولتی، شارلز آلونی و رنه ماژور^۲ پیش بردند شهادت دهم. می‌توانم این شهادت را بدهم، همان‌طور که شما هم می‌توانید و شاید اندکی بهتر از شما و مرا ببخشید اگر این امتیاز را برای خود نگاه دارم. باور دارم که شما هم می‌دانید، می‌توانم و می‌خواهم دربارهٔ شفافیت و بلندنظاری و شکیبایی بی‌پایانی شهادت دهم که او به مدت دو سال روز به روز مآل اندیش و آراء دیگری نمی‌یابم، مآل اندیش این کنفرانس بوده، که برایش پیش‌بینی‌های فرافکنی‌هایی کرده، مآل اندیش چیزی که با لطفی که ویژگی هر استاد لطف، اندیشمندانه، با سود جستن و اندک تغییر اصطلاح مالبرانش، می‌گیم مقدر کرده، بخشیده، اختصاص داده - اختصاص دادن چیزی به او که او به ما اختصاص داده. و همان‌طور که همیشه با کار با او پیش می‌آید، سوز و خشک، به زبان موسیقی و هارمونی شنیده می‌شود.

اجازه دهید این بازاندیشی‌های مقدماتی را به یاد خاطرۀ کویچی توئوساکی تقدیم کنم، خطابی که مرا از خطاب به شما باز می‌دارد. یکی از این شب‌ها یادمان افتاد که این دوست عزیز من در ۱۹۸۰ میلادی بود، به‌روی نیمکتی در این باغ، او را نزدیک به اینجا دیدم، گفت و خندید با او داشتم که کمابیش آخری بود (با او مانند با دیگر دوستان، با او به زبان به دلیل ستایشی که برای آنان دارم، خود کم سخن گفتم، بسیار کم).

^۱ Marie-Louise Maller

^۲ Cathrine Paoletti, Charles Alunni, René Major

پدرش تازه از این دنیا رخت بر بسته بود و کویچی ناگزیر باید
سیریزی را بی درنگ ترک می کرد. پیش از رفتن اش، روی آن نیمکت
پدرش، حرفه اش (به گمانم حقوق) و بیماری اش را فراخواند.
انتظار مرگی را داشت که در اینجا غافلگیرش کرد.

www.ketab.ir